



حقیقت وجود مطلق

وجود مطلق در ظهورات خود آشکار تر از آن ظهورات است. یا به عبارتی (الظاهر فی ظهوره اظهر من ظهوره) این قاعده ای حکمی و بدیهی است که مرحوم شیخ احمد احسائی اع به آن اشاره کرده و حکما و فلاسفه پیشین از این مهم غافل بودند.

به طور ساده این اصل میخواهد بگوید که به عنوان مثال در هر یک از اجسام، جسمانیت خودنمایی بیشتری دارد تا سایر اعراضی که باعث تمایزش از سایر اجسام میشود. در مثالی ساده تر: مطلق آب در مقیدات خود مانند آب دریا، آب باران، آب چشمه و غیره... ظاهر تر است از آنها و در نظر اول به آب بودن آن توجه میکنیم و بعد به اینکه در چه ظرفی یا مکانی است گل آلود است یا نیست.

و این مطلب امری محسوس و بدیهی در نزد هر صاحب حسی حتی اطفال صغیر و حتی حیوانات است.

اما اهمیت این مطلب بدیهی هنگامی است که اکثر فلاسفه برای وجود مطلق، حقیقتی خارجی قائل نبوده و آن را صرفا امری اعتباری و انتزاعی میدانند، در حالی که میبینند چگونه در تمام مقیدات خود ظاهر است و پنهانی آن برای جهال از شدت ظهور اوست.

مانند آنچه که مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع در مثنوی تعریف میکردند که ماهی ها در جستجوی آب بودند و در بین خود میگفتند:

من شنیدستم بعالم آبهاست *** بحرهای بیحد و بیمنتهاست

هر چه گردیدم ندیدم یک نشان **** در جهان نز بحر و نه از آبشان
این همانا صحبت لاطائلی است **** نیست چیزی بلکه قول قائلی است
تا این که به استادی بر خورده و اینگونه جوابشان را داد:
غیر آبی نیست اندر این جهان **** تا دهم رخسار آن را من نشان
هر چه می بینید خود آبست و بس **** دور نبود نفس آب از هیچکس
گر شما جز آب بنمودید من **** می نمایم آب را اندر زمن
چونکه بحر از انتها و حد عری است **** بر مدارک جمله او را برتری است

و در این باره امیر المؤمنین علیه السلام میفرمایند: **الذی بالجسم ظهوره فالعرض يلزمه فهو لا يتمثل في الخارج الا في هذه الهيئات العرضيه بحيث لولاها لم يكن موجودا فانها لازمة لوجوده في الخارج بل هي عين وجوده في الخارج.**

بنابراین وجود مطلق (جسم) در مقیدات خود ظاهر بوده و وجودش وابسته به آنها است بلکه از خود مقیدات ظاهر تر است. و به این معنا غیر اشیاء نیست و با این حال عین اشیاء هم نیست، چرا که منزه از اعراض و امتیازاتی است که اشیاء نسبت به هم دارند، و این شرح ضرب المثل معروفی است که میگوید هر گردویی گرد است اما هر گردی گردو نیست.